

بررسی تطبیقی دیدگاه سلفیه تکفیری و اهل سنت درباره احتفال مولد نبی ﷺ

اعظم یوزباشی^۱

چکیده

مسئله بزرگداشت میلاد رسول اکرم ﷺ در میان مسلمانان، در شمار اعمال پسندیده قرار دارد و هر ساله، ایام دوازدهم تا هفدهم ماه ربیع‌الاول را به یمن ولادت آن حضرت به جشن و سرور می‌پردازند. سلفیان به عنوان یکی از گروه‌های نوظهور در میان مسلمانان، مراسم احتفال را بدعتی شرعی برمی‌شمارند. آنها معتقدند هر فعل محدثی که آیه‌ای از قرآن کریم صراحتاً بر جواز آن دلالت کند یا در زمان نبی مکرم اسلام ﷺ انجام شده باشد، انجام آن برای مسلمانان جایز است وگرنه آن عمل، بدعت شرعی و حرام است. سردمداران این تفکر، برگزارکنندگان احتفال را مشرک می‌دانند و از راه زبان و عمل، مسلمانان را مورد طعن خود قرار می‌دهند و حتی اقدام به کشتن آنها می‌کنند. این نوشتار با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، ابتدا به بیان ادله سلفیان بر بدعت بودن عمل احتفال پرداخته و سپس با استفاده از دیدگاه‌های برخی علمای اهل تسنن، آنها را نقد نموده است. حاصل تحقیق آن شد که هیچ‌کدام از ادله آنها پشتوانه عقلی و نقلی ندارد و فاقد اعتبار لازم است. واژگان کلیدی: احتفال مولد پیامبر اسلام ﷺ، بدعت، سنت، سلفیه تکفیری.

۱. دانش‌پژوه سطح سه کلام اسلامی جامعه الزهراء ﷺ، قم، ایران؛ esrafim72@yahoo.com

مقدمه

سلفیان دو مبنای کلی بر بدعت بودن احتفال مولد نبی ﷺ دارند: الف) سنت ترکیه و ب) تشبه به کفار و تقلید از روافض. البته ادله دیگری هم مطرح می‌کنند که در ادامه نوشتار، آنها را نیز به تفصیل بیان و بررسی می‌کنیم.

سنت ترکیه، به امور متروک از سوی رسول اکرم ﷺ و صحابه مربوط می‌شود. براین اساس می‌گویند اگر برگزاری جشن میلاد، امری شایسته و شرعی بود، باید خود پیامبر ﷺ و یا صحابه بر انجام آن اهتمام می‌ورزیدند و چون این کار را نکردند، ما نیز اجازه انجام چنین عملی را نداریم. در مورد تشبه به کفار نیز معتقدند چون مسیحیان در روز میلاد حضرت عیسی ﷺ جشن می‌گیرند، اگر ما نیز روز میلاد پیامبرمان را جشن بگیریم، به آنها شباهت پیدا می‌کنیم و تشبه به کفار، امری قبیح و حرام است.

این دو دلیل و دیگر دلایل، با نصوص شرعی و سنت آن حضرت در تعارض و تقابل است و علمای اسلام به همگی این ادله پاسخ‌هایی داده‌اند.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. بدعت

بدعت در لغت، از ماده (ب د ع) می‌آید و به دو معناست: الف) ساختن چیزی که مثال و شبیهی ندارد؛ ب) الانقطاع و الکلال (ابن فارس، ۱۹۷۹، ج ۱، ص ۲۰۹).

بدعت در اصطلاح نیز دارای دو معناست: الف) نوآوری در دین و چیزی که جزء دین نیست را جزء آن به حساب آوردن؛ ب) امر محدثی که به دین اضافه شده است، ولی این احداث، مستند به هیچ امر شرعی به طریق عام یا خاص نیست (جیزانی، ۱۹۹۸، ص ۲۰). بدعت بر دو قسم است: بدعت در امور عادی، مثل اختراع وسایل جدید که مباح است؛ و بدعت در دین، که امری حرام است.

در کتاب مفهوم البدعه سه دیدگاه در رابطه با اقسام تعریف، بدعت ذکر شده است:

الف) آنها که مفهوم بدعت را توسعه دادند و برای آن احکام خمسسه قائل‌اند. اینها

بدعت شرعی و لفظی را به یک معنا می‌دانند.

ب) آنها که مفهوم بدعت را ضیق کرده و فقط یک قسم برای آن قائل اند و آن بدعت حرام است.

ج) آنها که معتقدند اگر امور محدثه به هر نحوی تحت اصول شرع قرار گیرد اصلاً بدعت نامیده نمی شود. این گروه «بدعت حسنه» را قبول ندارند؛ زیرا معتقدند بدعت امری است که متعارض با اصول شرع است (العرفج، ۲۰۱۲ م، ص ۶۹-۷۰).

۱-۲. سنت

سنت در لغت به معنای روش، سیره، طریقه و شیوه است (معطوف، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۷۸۰). سنت در اصطلاح، همان طریقه پیامبر اکرم ﷺ در قول و فعل و تقریرات و تروک شان به نحو عموم است (الخلیل، ۱۴۰۳، ص ۴۹). شافعی با طرح این اندیشه که سنت نبوی (نه صحابه و تابعین)، مفسر ظواهر کتاب است، مکتبی حدیث‌گرا را به وجود آورد و تعریف سنت را به «قول و فعل و تقریر پیامبر ﷺ» محدود کرد (فرمانیان، ۱۳۸۹، ص ۳۶).

۱-۳. احتفال

احتفال در لغت، از ماده حفل می آید و به معنای اهمیت دادن به امری است، و گرد آمدن مردمی بسیار. احتفلوا به، یعنی برای احترام و بزرگداشت او گرد آمدند (معطوف، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۰۷) و احتفلوا، ای اجتمعوا (الجوهری، ۱۹۸۷، ج ۴، ص ۱۶۷۰). احتفال در اصطلاح، شامل بازی، سرگرمی، مراسم جشن و عروسی، اعیاد و مناسبات اجتماعی، زیارات موسمی و مسابقات و تولد فرزند و... است (فاکهی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۲۱). مراسم جشن و بزرگداشت، سابقه ای بسیار طولانی دارد که هر مردمی با هر فرهنگ و زبان مستقل، در تمامی اعصار تا به امروز، از آن بهره‌مند بوده‌اند (همان، ص ۲۲-۲۳).

۱-۴. سلف

سلف در لغت به معنی گذشتگان و نیاکان است (معطوف، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۷۶۵). سلف الرجل یعنی اجداد گذشته که جمع آن «اسلاف» است (الجوهری، ۱۹۸۷، ج ۴، ص ۱۳۷۶). سلف در اصطلاح به پیروان خط فکری ابن تیمیه گفته می شود. او معتقد بود باید از سلف اصحاب حدیث (صحابه و تابعین تا قرن سوم) پیروی کرد؛ زیرا فهم سلف،

بهترین فهم هاست. در واقع می‌توان سلفیه را حنابله‌ای نامید که از اصحاب حدیث پیروی می‌کردند (فرمانیان، ۱۳۸۹، ص ۱۵۲).

۲. پیشینه احتفال

مکه و مدینه قبل و بعد از اسلام، از احتفالات متنوعی برخوردار بوده است (السباعی، ۱۴۱۹، ص ۶۱). اوضاع هنری مکه در عصر جاهلی، شاهد جشن‌های گوناگون و عمومی بسیار بوده است که زنان و مردان به صورت مختلط در مراسم حضور پیدا می‌کردند. کیفیت مجالس به‌گونه‌ای بود که با قرار دادن تخت و صندلی و آراستن مکان و پذیرایی با انواع میوه‌ها، رقص و پای‌کوبی، نوشیدن شراب و قسه‌گویی، جشن‌ها را اداره می‌کردند و در جشن‌های عروسی، کنیزکان از فرط شادی از سر و کول یکدیگر بالا می‌رفتند و نوازندگان به نواختن دف و تنبور مشغول بودند (همان). در مکه بازارهایی بود که برای برگزاری جشن‌های موسمی دایر می‌شد، مانند بازار عکاظ، بازار مجنة و ذی‌المجاز که در آن برای تفاخر به نَسَب، شرف و خصلت‌های پسندیده، مانند جود، کرم و مروت، جشن برگزار می‌شد که از جمله شرکت‌کنندگان همیشگی آن، بنی‌امیه و بنی‌هاشم بودند (ازرقی، ۱۴۱۶، ص ۱۷۹-۱۹۰).

در جشن‌های قریش که امویان و مخزومیان برگزار می‌کردند، زنانی را که در غنا، لَهو و توزیع و تعارف شراب تبحر داشتند به کار گماشته بودند. آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ» (لقمان: ۶) اشاره به لَهو و بیهودگی رفتاری برخی همچون نضربین حارث دارد که یکی از اسلوب‌های وی برای دور ساختن افراد از اطراف رسول خدا ﷺ، فراخواندن اشخاص متمایل به اسلام به خانه خود و آوازخوانی کنیزان و نوشیدن شراب بود (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۵۸۴ و ثعلبی، ۲۰۰۲، ج ۷، ص ۲۱۰). با نگاهی اجمالی به اوضاع هنری مکه قبل از اسلام، روشن خواهد شد که مردم با برگزاری جشن و شادی مأنوس بوده‌اند.

با ظهور اسلام، بسیاری از سنت‌های مرسوم جاهلی که قابل اصلاح بود، تغییر کرد (خطراوی، ۱۴۰۴، ص ۴۰-۴۲). براین اساس، آنچه از جشن‌ها که قابلیت اصلاح داشت، تصحیح شد و لهویات آن حذف گردید و آن دسته از مراسم که قابلیت اصلاح و تغییر نداشت، اسلام انجام آن را تحریم کرد (طاشکندی، ۱۴۲۹، ص ۲۸۱). اما از سوی دیگر، با برگزاری و حضور در جشن‌های مباح، به صورت ضابطه‌مند مخالفت نکرد؛ هرچند افرادی مثل ابن تیمیه

قائل اند که جز عید قربان و عید فطر، عید دیگری جایز نیست. همچنین به یمن و برکت اسلام، مسجد الحرام به مکه و مسجد نبوی به مدینه شهرت یافت و این دو شهر علاوه بر دعا، نیایش و نماز، به دو مرکز دینی برای برگزاری احتفالات، اعیاد و مناسبات، شهرت گرفت (خطراوی، ۱۴۰۴، ص ۴۰-۴۲). اولین جشن و احتفال عمومی که بعد از اسلام انجام گرفت، احتفال ورود پیامبر ﷺ به مدینه بود (طاشکندی، ۱۴۲۹، ص ۸۲) و مردم هر ساله، سالروز هجرت و ورود نبی خدا ﷺ از مکه به مدینه را جشن می گرفتند. مردم در این روز به خارج یثرب می رفتند و انتظارِ قدوم مبارک رسول خدا ﷺ را می کشیدند. این مراسم، با خواندن اشعار مناسب با شخصیت و رسالت پیامبر ﷺ، نواختن دف، شعرخوانی دسته جمعی کودکان و توزیع انواع خوراکی ها ادامه می یافت؛ به گونه ای که تمامی راه ها و مسیرهای ورودی شهر، مملو از زنان و مردان عاشق رسول الله ﷺ می شد که به یمن ورود پیامبر ﷺ به آن شهر، یثرب به مدینه الطیبه تبدیل گشت (ابن قیم جوزی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۰۹). احتفالات دیگر همچون، عید فطر، عید قربان، عقیقه، ختنه، ولیمه و یوم الجمعة، از دیگر مراسم هایی بود که در مکه و مدینه آن روز جشن گرفته می شد (زهرانی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۳۶۵-۳۶۶).

۳. ادله سلفیه در احتفال مولد نبی ﷺ

سلفیان، احتفال مولد نبی ﷺ را بدعت دانسته اند. آنان علاوه بر نهی از جشن گرفتن، حضور در مجالس جشن را نیز حرام می دانند. بدعت پنداری احتفال از سوی سلفیان، ما حاصل چند دلیل است که در ادامه مطرح خواهند شد.

۳-۱. عدم انجام احتفال توسط پیامبر ﷺ

اولین دلیل سلفیان بر بدعت نامیدن بزرگداشت میلاد پیامبر ﷺ این است که عدم مطابقت عمل با عرف پیامبر، مساوی با عدم مشروعیت عمل در دیگر اعصار است. آنان با استناد به آیه شریفه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» (مائده: ۳) بر این باورند که با نزول آیه اکمال، باید ها و نبایدها از سوی پیامبر بیان شده است. از سوی دیگر، اسلام تمامی اعیاد قبل از اسلام را حرام و حتی از بین برده و فقط دو عید را برای مسلمین تشریح نموده است (ابن تیمیه، ۱۴۱۹، ص ۵۶). از این رو سابقه نداشتن گرامیداشت ایام ربیع الاول در عصر حیات فیزیکی رسول الله ﷺ، به معنای عدم جواز آن پس از رحلت ایشان است.

نقد و بررسی

اولاً: هر عملی که در عرف پیامبر ﷺ سابقه نداشته است، به معنای حرمت عمل در دیگر اعصار نیست. بسیاری از اعمال و مناسک در بین مسلمانان وجود دارد که در عصر پیامبر ﷺ مرسوم نبوده است. از باب نمونه، نماز تراویح به صورت جماعت که اهل تسنن در ماه رمضان اقامه می‌کنند، بنا بر اعتراف اهل سنت، در عصر رسول الله ﷺ وجود نداشته است.

ثانیاً: بنا بر قواعد علم اصول، اصل اولی در عادات و افعال، حلیت و براءت است، مگر اینکه مورد نهی قرار گیرد. از جمله دلایلی که اصل اولی حلیت را ثابت می‌کند، این آیه است:

«قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلًا لِعَبْدِ اللَّهِ بِهِ»؛ «بگو ای پیامبر! در آنچه به من وحی شده است بر خورنده‌ای که آن را می‌خورد هیچ حرامی نمی‌یابم مگر آنکه مردار یا خون ریخته یا گوشت خوک باشد که اینها همه پلیدند یا قربانی‌ای که از روی نافرمانی به هنگام ذبح، نام غیر خدا بر آن برده شده باشد» (انعام: ۱۲۵).

ثالثاً: مسلمانان در هر عصری، با مسائل مستحدثه و جدیده مواجه هستند که اگرچه آن عمل در عصر رسول خدا ﷺ وجود نداشته است، اما اندیشمندان اسلامی و حتی سلفیان و وهابیان، فتوا به جواز آن عمل می‌دهند. وقتی سؤال از چرایی جواز آن مسئله می‌شود، پاسخ داده می‌شود که اگر آن عمل در عصر پیامبر سابقه نداشته است، دلیل بر حرمت آن عمل نیست؛ زیرا اسلام عمومات و قواعدی دارد که هر عملی، به آن عمومات و قواعد عرضه می‌شود و در صورت مطابقت آن عمل با عمومات و اصول، جواز آن صادر می‌گردد. مسئله جشن گرفتن سالروز ولادت پیامبر ﷺ، اگرچه در زمان آن حضرت مرسوم نبوده است، لکن دلایل و عموماتی وجود دارد که با عرضه احتفال مولد النبی ﷺ به آن عمومات، مشروعیت و جواز آن را نیز اثبات می‌کند؛ نظیر آیه شریفه: «وَمَنْ يُعْظِرْ سَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»؛ «و هرکس شعایر خدا را بزرگ دارد، درحقیقت، آن حاکی از پاکی دل‌هاست» (حج: ۱۷).

رابعاً: بنا بر گزارش‌های تاریخی، جشن گرفتن در زمان خود رسول خدا ﷺ مرسوم بوده

است. همان طور که قبلاً اشاره شد، یکی از جشن های رسمی در عصر پیامبر ﷺ، جشن سالروز ورود آن حضرت به مدینه بود. مردم یثرب هر ساله سالروز ورود مهاجرین از مکه به مدینه را جشن می گرفتند و رسول الله ﷺ هیچ گونه مخالفتی از خود در برابر آن اعلام نداشتند (طاشکندی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۸۲). بنابراین وقتی پیامبر ﷺ با جشن ورود خود به مدینه مخالفت نکرده، طبیعاً احتفال سالروز تولد سراسر میمنت ایشان که از اهمیت بالاتری برخوردار است، مانعی نخواهد داشت.

۲-۳. عدم انجام احتفال توسط صحابه و تابعین

دومین دلیل سلفیان در بدعت شمردن برگزاری جشن میلاد رسول خدا ﷺ این مطلب است که عمل (احتفال)، با عرف صحابه و تابعین مطابقت ندارد و این مساوی است با عدم مشروعیت عمل در عصر خلف.

ثوریسین جریان سلفیه، ابن تیمیه، می نویسد:

«فإن هذا لم يفعلهُ السلف، مع قیام المقتضی له وعدم المانع منه لو كان خیرًا. ولو كان هذا خیرًا محضًا، أو راجحًا لكان السلف رضي الله عنهم أحق به منا، فإنهم كانوا أشد محبة لرسول الله ﷺ وتعظيمًا له منا، وهم على الخیر أحرص؛ بالتوجه به این دلیل، جشن گرفتن سالروز ولادت پیامبر ﷺ، کاری است که سلف (صحابه، تابعین و اتباع تابعین) و پیشینیان انجام نداده اند بآنکه مقتضای آن وجود داشت و مانعی نیز بر انجام آن نبود و اگر این کار، خیر محض یا راجح بود، سلف از ما سزاوارتر به انجام آن بودند؛ زیرا آنان محبت بیشتری از ما به رسول خدا ﷺ داشتند و از ما بیشتر پیامبر را تعظیم می نمودند. از این رو برگزاری و حضور در چنین مجالسی قبیح، بدعت و نتیجتاً حرام خواهد بود» (ابن تیمیه، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۱۲۳).

نقد و بررسی

اولاً: عمل گذشتگان نمی تواند مصدری برای تشریح احکام به شمار آید. بنا بر اعتراف ابن تیمیه، مؤمن عالم، نباید عادات و عملکرد دیگران را نصب العین قرار دهد و ملاک درستی مسائل را در سیره آنان بسنجد (همان، ص ۸۹).

از این رو، سلف که در موضوعات متعدد با یکدیگر اختلاف داشته اند، چگونه کردار ایشان در عدم بزرگداشت سالروز ولادت پیامبر ﷺ، مصدر تشریح قرار داده می شود.

به عبارت دیگر، انجام دادن یا انجام ندادن صحابه در مسئله احتفال و نیز مسائل دیگر، حجت شرعی نیست مادامی که به نبی نسبت داده نشود.

در زمان رسول الله ﷺ آن حضرت برخی محدثات صحابه را که مشروعیت داشت و صدمه‌ای به نصوص شرعی نمی‌زد و مترتب بر مفسده نبود، می‌پذیرفتند و آنچه را مغایر با نصوص شرعی بود و مفسده دینی یا دنیوی داشت، رد می‌کردند (العرفج، ۲۰۱۲، ص ۱۳۶). بعد از رحلت آن حضرت، صحابه برخی امور محدثه را انجام دادند و سایرین آن را انکار نکردند. مثلاً عبدالله بن عمر و عبدالله بن مسعود بعضی کلمات را در تشهد نماز زیاد کردند (همان، ص ۱۴۳).

ثانیاً: بسیاری از اعمال و احکام مستحبی در اسلام وجود داشته است که گذشتگان، به ویژه سلف، آن اعمال مستحبی را انجام نداده‌اند؛ مانند نمازهای مستحبی و ادعیه‌ای که در ایام خاص سفارش شده است.

ثالثاً: بدعت نامیدن احتفال، به صرف انجام ندادن امور مستحدث توسط سلف، مخالفت با آیه شریفه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» است؛ زیرا بدعت شمردن هر عملی که سلف به آن عمل نکرده‌اند به این معناست که علاوه بر اینکه دین اسلام برای آیندگان و مسائل مستحدثه برنامه‌ای ندارد، بلکه القای شبهه نقص دین در دیگر زمان‌ها است. با اینکه اسلام با تشریح عمومات و اصول و عرضه تمامی مسائل جدید به آن، پاسخ‌گوی هر سؤالی در هر عصری است.

۳-۳. بدعت بودن هر عمل تازه تأسیس

«هرگونه عمل تازه تأسیس، بدعت است و هر بدعتی ضلالت است». تلقی سلفیان از حدیث «فإن كل محدثة بدعة و كل بدعة ضلالة» این است که بزرگداشت سالروز ولادت پیامبر ﷺ به خاطر نداشتن هیچ‌گونه سابقه تاریخی، بدعت و ضلالت بوده است (بن باز، ۱۹۹۹، ج ۴، ص ۲۸۹).

نقد و بررسی

در پاسخ به بدعت پنداشتن احتفال، ابتدا بدعت را تعریف می‌نماییم و سپس احتفال را بر آن عرضه می‌کنیم تا مشخص شود آیا این امر مصداق بدعت است یا خیر؟

همان طور که در مفهوم شناسی به معنای لغوی و اصطلاحی بدعت پرداختیم، بدعت در لغت به معنای کار نو و عمل بی سابقه است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۸) و در اصطلاح، ابن حجر می نویسد: «ما أحدث و ليس له أصل في الشرع و ما كان له أصل يدل عليه الشرع فليس ببدعة؛ بدعت امر حادثی است که دلیلی در شریعت برای او نباشد و اگر دلیلی در شرع برای آن باشد، بدعت نیست» (عسقلانی، ۱۳۷۹، ج ۱۳، ص ۲۵۳). با توجه به تعریف بدعت، هر عمل تازه ای که برای آن دلیلی در شرع وجود داشته باشد، اگرچه به جهت لغوی بدعت نامیده می شود، اما به لحاظ شرع، بدعت محسوب نمی گردد.

بنابراین در پاسخ به برداشت نادرست سلفیان، می توان این گونه پاسخ داد که: **اولاً:** شکی نیست بدعت گذاری در دین، از نظر تمام مذاهب اسلامی حرام است؛ اما آیا احتفال مولد نبی ﷺ، از مصادیق بدعت شرعی است یا خیر؟ واضح است که احتفال مولد نبی ﷺ، در تعریف بدعت شرعی نمی گنجد؛ زیرا برای انجام آن، دلایل گوناگون در شریعت وجود دارد و این مخالفت های بی اساس، حکایت از بدفهمی سلفی ها دارد؛ از جمله: الف) عموماتی در قرآن وجود دارد که احتفال مولد نبی در شریعت را تایید می کند: «وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»؛ «و هر کس شعایر خدا را بزرگ دارد، در حقیقت آن حاکی از پاکی دل هاست» (حج: ۱۷).

وقتی خداوند در آیه ۱۵ و ۳۳ سوره مریم ﷺ، تولد حضرت یحیی و حضرت عیسی ﷺ را بزرگ داشت و اکرام کرد و بر آنها درود فرستاد، به طریق اولی، اکرام و احتفال به مولد نبوی ﷺ جایز است و استحباب دارد و نیز خداوند در آیه ۱۵۸ بقره، قربانی کردن در حج و صفا و مروه را از شعایر الهی می داند؛ پس به طریق اولی، بزرگداشت میلاد پیامبر ﷺ، از مهم ترین شعایر الهی است.

ب) عموماتی در روایات صحیحیه وجود دارد که احتفال مولد نبی ﷺ را تایید می کند؛ مانند «لا یؤمن احدکم حتی اکون احب الیه من والده و ولده و الناس اجمعین؛ کسی از شما ایمان نمی آورد مگر اینکه مرا از فرزند و پدرش و تمام مردم بیشتر دوست داشته باشد» (نسائی، ۱۹۸۶، ج ۶، ص ۵۳۴). این حدیث در کتاب سنن نسائی در ذیل «علامت الایمان» آمده است. در مراسم احتفال، با ذکر فضایل پیامبر ﷺ و اطعام فقرا و سایر مسلمین، یاد

آن حضرت را زنده نگه می‌دارند و باعث محبت بیشتر مسلمین به آن حضرت می‌شوند؛ زیرا یادآوری فضایل و کرامات، سبب شناختن آن نبی مکرم می‌شود و شناخت، سرآغاز محبت است و شادی کردن مسلمین در روز ولادت آن حضرت، نشانه محبت آنهاست به رسول اکرم ﷺ.

ثانیاً: در بدعت شمردن هر مسئله‌ای، نیت نقش کاملاً بسزایی دارد و اگر به قصد انتساب عمل به شارع نباشد، هر عمل جدید التأسیسی بدعت اصطلاحی نام نمی‌گیرد مشروط بر اینکه به اصول شرعی عام یا خاص مستند باشد (العرفج، ۲۰۱۲، ص ۲۷۳).

۳-۴. منحصر بودن اعیاد اسلامی در دو عید

از دیگر ادله مخالفین احتفال این است که اعیاد اسلامی در دو عید فطر و قربان منحصر می‌گردد و به غیر از این دو، هر نوع احتفالی بدعت است: «اعیاد، از مسائل شرعیه تبعیدیه به شمار می‌روند و جز دو عید قربان و فطر، عید دیگری در اسلام نیست. از این رو جایز نیست عید جدیدی احداث شود؛ زیرا خدا و رسول ﷺ هستند که اجازه تشریح دارند و زیاد و کم کردن آن توسط دیگران، بدعت است» (ابن تیمیه، ۱۴۱۹، ص ۵۶)

نقد و بررسی

در نقد ادعای سلفیان ابتدا باید دو پرسش را مطرح کرد:

۱. آیا برگزاری عید به طور مطلق حرام است؟

۲. آیا محتوای مراسم عید، محل اشکال است؟

در رابطه با سؤال اول، اگر مراد سلفیه این است که به طور کلی اسلام با برگزاری جشن و بزرگداشت مخالف است، در پاسخ گفته می‌شود بسیاری از جشن‌ها در قبل و آغاز اسلام وجود داشته است که برخی از آنها تصحیح شدند و برخی خیر. همچنین این طور نیست که اعیاد از منظر اهل سنت محصور در عید قربان و فطر باشند؛ بلکه عید جمعه و ایام تشریق نیز از اعیاد اسلامی هستند (نسائی، ۱۹۸۶، ج ۵، ص ۲۵۲).

البته در مذهب شیعه، اعیاد بیشتری وجود دارد. در اسلام اعیادی وجود دارند که مسلمین در آن به جشن و سرور می‌پردازند و احتفال مولد نبوی نیز سابقه برگزاری در اعصار گذشته را داشته است (زرقانی، شرح مواهب الدین: سیوطی، الحاوی لفتاوی و ابن کثیر،

البدایه والنهایه). در نتیجه، پاسخ سؤال اول منفی است و برگزاری عید فی نفسه اشکالی ندارد؛ بلکه اگر با آداب اسلامی و به‌دوراز هر گناهی باشد، عملی مستحب و پسندیده است (سیوطی، ۲۰۰۴، ج ۱، ص ۲۲۸).

اما در مورد سؤال دوم که آن هم به‌طور مطلق و همیشه محتوای حرامی ندارد، بلکه در موارد شادی، در برخی احتفالاتها ممکن است از سوی برخی افراد، معاصی‌ای سر بزنند که البته معدود و نادرند و به‌خاطر موارد جزئی خطا، یک مستحب مؤکد کنار گذاشته نمی‌شود.

۵-۳. تشبه به کفار و تقلید از روافض

عمل احتفال باعث تشبیه به کفار می‌شود؛ زیرا نصاری در روز میلاد پیامبرشان، حضرت مسیح، چنین مراسمی برگزار می‌کردند. همچنین این عمل، تا دوره فاطمیان سابقه تاریخی ندارد و احتفال مولد نبی ﷺ، تقلید از شیعیان است (بن‌باز، ۱۹۹۹، ج ۹، ص ۷۲).

نقد و بررسی

آنچه ریشه در متون دینی دارد، تشبیه به کفار محسوب نمی‌شود. تشبیه به کفار در جایی است که امری از خصوصیات همان دین باشد؛ مثل صلیب که از نشانه‌های مسیحیت است. ضمناً اگر برگزاری جشن از طرف مسیحیان برای ولادت حضرت عیسی ﷺ قابل انتقاد است نه از آن جهت است که آنان روز میلاد پیامبرشان را جشن می‌گیرند؛ بلکه به سبب آن است که عده‌ای از آنان با اعتقاد به الوهیت آن حضرت، این مراسم را برگزار می‌کنند، ولی مسلمانان در برگزاری جشن میلاد حضرت رسول اکرم ﷺ هرگز چنین اعتقادی را ندارند و یکی از عمده‌انگیزه‌های آنان، شکر خداوند بر این نعمت بزرگ و قصد تقرب به خداوند است نه چیز دیگر.

نکته: گاهی به طعن گفته می‌شود؛ عمل احتفال، بدعتی است از سوی روافض در قرن چهارم و بعد از آن (همان، ج ۴، ص ۲۸۷).

در پاسخ می‌گوییم حتی اگر این فرض درست باشد، به‌صرف اینکه این عمل از سوی شیعیان انجام گرفته است، جواز حرام بودن و بدعت دانستن آن داده نمی‌شود و باید دلیل محکمی از نصوص شرعی بر آن داشته باشیم.

۳-۶. انجام معاصی فراوان در این گونه مراسم‌ها

از دیگر ادله مخالفین احتفال مولد نبی ﷺ این است که برگزاری این مراسم، باعث غلو در مقام آن حضرت است؛ زیرا بسیاری از اشعاری که در آن خوانده می‌شود شرک‌آلود است و در آن اشعار، استغاثه به حضرت وجود دارد. البته گناهان دیگری مثل لهو و لعب و غنا نیز در این مراسم به وجود می‌آید (فوزان، ۲۰۰۳، ج ۲، ص ۶۹۲).

نقد و بررسی

این اشکال مربوط به اصل مراسم احتفال نمی‌شود؛ بلکه مشکل به برخی احتفالات میلاد پیامبر ﷺ برمی‌گردد که در آن، مفاسدی مثل غنا و سماع و لهو وجود دارد و اگر در مراسم احتفال، ذکر خداوند و تکریم مقام حضرت و اطعام مسلمین باشد، هیچ منعی نخواهد داشت (سیوطی، ۲۰۰۴، ج ۱، ص ۲۳).

باید دقت داشت که خطا در مصادیق، باعث نفی امر کلی نمی‌شود. خطا و گناه یک یا چند مسلمان در برگزاری مراسم احتفال، مشروعیت آن را زیر سؤال نمی‌برد. درست است که در برخی از احتفالات، ممکن است گناهایی مثل سماع و لهو و غنا انجام شود، اما اکثر مسلمانانی که این مراسم را برگزار می‌کنند، احتفالشان شامل این برنامه‌هاست: الف) تلاوت قرآن: از جمله عادات مسلمانان، نه تنها در جشن میلاد پیامبر اکرم ﷺ، بلکه در تمامی مناسبت‌های رسمی، با دعوت از قاریان مطرح و خوش صدا، مجالس را آغاز می‌کنند و پس از آن نیز با تلاوت قرآن به پایان می‌رسانند.

ب) سرودن اشعار: در خلال بزرگداشت، با سرودن اشعار و مولودی‌هایی با مضامین عالی، علاوه بر توصیف شخصیت پیامبر ﷺ، با تبعیت از سلوک نبوی، مستمعین و مدعوین، مورد انداز و ابشار قرار می‌گیرند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا»؛ ای پیامبر! ما تو را به عنوان گواه و بشارت‌دهنده و اندازکننده فرستادیم» (احزاب: ۴۵).

ج) اطعام: از دیگر اعمال این مراسم، اطعام شرکت‌کنندگان است که به دلیل عمومی بودن آن، فقیر و غنی در کنار هم بر سر یک سفره می‌نشینند و بدون پرداخت هیچ‌گونه مبلغی، طعام تناول می‌کنند: «إِنَّمَا نُنْطِقُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا»؛ (و می‌گویند) ما شما را برای خدا اطعام می‌کنیم، هیچ پاداشی و تشکری از شما نمی‌خواهیم» (انسان: ۹).

د) ازدواج: برخی از مراسم‌های ازدواج، به یمن ولادت پیامبر ﷺ، در این مجالس برقرار می‌گردد و به ترویج و تبلیغ ازدواج آسان پرداخته می‌شود.

ه) افزایش ادخال سرور: در برخی مناطق، علاوه بر موارد فوق، با استفاده از آلات موسیقی مشترک، مانند دف و نی، به سرور جلسه می‌افزایند.

حال از سلفیه جهادی و مخالفین این گونه مجالس سؤال می‌شود، کدام یک از موارد مذکور، خلاف کتاب و سنت است؟ محتوای کلی مراسم، هیچ‌گونه تعارضی با کتاب و سنت ندارد و اگر در برخی مجالس، آن هم به ندرت، غفلتی صورت می‌گیرد و اعمالی که مورد تأیید شرع نیست انجام می‌شود، طبیعی است که این گونه مجالس، به حکم عقل و شرع، مشروع نیست و حضور در چنین مجالسی حرام است.

۷-۳. اجتماع دو امر متضاد (عزا و شادی در یک روز)

مخالفین احتفال مولد پیامبر اکرم ﷺ در استدلال دیگری می‌گویند: چطور در روزی که وفات آن حضرت رخ داده، برای ولادتشان اظهار سرور و شادمانی جایز است؟ چون بر اساس نظر مشهور اهل سنت، تاریخ شهادت و ولادت حضرت، در دوازدهم ربیع‌الاول است (سیوطی، ۲۰۰۴، ج ۱، ص ۲۲۶).

نقد و بررسی

در مذهب اهل سنت، سالگرد عزاداری وجود ندارد و عزاداری بیش از سه روز نهی شده است، ولی در مورد مولید تأکید بیشتری وجود دارد. پس حتی اگر این هم‌زمانی تاریخی ایام وفات و ولادت آن حضرت را بپذیریم، برگزاری احتفال مولد نبی ﷺ بر مراسم عزاداری رجحان خواهد داشت. *مطالعات فقهی*

۸-۳. اعتقاد به نقص دین

دلیل دیگر بر بدعت بودن احتفال میلاد پیامبر ﷺ این است که لازمه پذیرفتن اموری مثل احتفال، منجر به اعتقاد بر نقص دین و اتهام عدم کمال به اسلام است؛ زیرا هرآنچه برای سعادت مسلمین لازم بوده، در زمان حیات آن حضرت بیان شده است و ایشان از آنجا که مبلغ دین خداوند بوده، در بیان احکام و مسائل دین فروگذار نکرده‌اند و سخنی در رابطه

با جواز احتفال از جانب ایشان مطرح نشده است (بن باز، ۱۹۹۹، ج ۹، ص ۱۸۵)

نقد و بررسی

اینکه آن حضرت مسئله جواز احتفال را بیان نکرده‌اند، منافاتی با مبلغ دین بودن ایشان ندارد؛ زیرا ابلاغ همه امور به صورت جزئی از طرف ایشان لازم نبوده است و مادامی که امور محدثه، موجب مفسده نشوند و تعارضی با اصول شرع نداشته باشند، حرام نخواهند بود. همچنین چطور می‌شود حکم کرد که جشن گرفتن برای میلاد پیامبر ﷺ با وجود تمام ادله تاریخی و شرعی، روی گرداندن از سنت است، ولی احتفال و جشن‌های چندروزه برای محمد بن عبدالوهاب، نه بدعت است و نه روی گردانی از سنت؟

۴. اصول استنباط اهل تسنن و اثبات بدعی نبودن احتفال

علاوه بر نقدهایی که به ادله مخالفین احتفال وارد است، بدعی نبودن مسئله احتفال، بر اساس اصول استنباط اهل سنت است. قرآن، سنت حضرت رسول ﷺ، اجماع و قیاسی که مستند به کتاب خدا و سنت رسول ﷺ و یا یکی از این دو باشند، به عنوان اصول استنباط اهل سنت مطرح است. بر اساس هر یک از این اصول می‌توان مطابق سنت بودن مسئله احتفال را اثبات نمود. منتها با توجه به اثبات این مسئله از طریق قرآن و سنت، و از طرفی جدلی بودن اثبات این مسئله از طریق اجماع و قیاس، در این مجال تنها به این دو اصل بسنده می‌شود.

۴-۱. اثبات صحت احتفال از طریق قیاس

قیاس، یعنی یک مسئله که حکمش بیان شده، به مسئله‌ای که حکمش بیان نشده است، ملحق گردد، مشروط به اینکه دلیل هر دو، یکی باشد.

ابن عباس نقل می‌کند: وقتی پیامبر ﷺ به مدینه آمدند، دیدند یهودیان در روز عاشورا روزه می‌گیرند. وقتی علت را پرسیدند یهودیان گفتند: دهم محرم روزی است که خدا حضرت موسی ﷺ و بنی اسرائیل را بر فرعون پیروز کرد؛ لذا ما این روز را به جهت تکریم آن حضرت، روزه می‌گیریم. پیامبر فرمودند: ما مسلمانان، به موسی ﷺ از شما سزاوارتریم (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۷۰).

باتوجه به این حدیث، بزرگداشت یک واقعه مهم و پربرکت مورد تأیید است؛ از این رو بزرگداشت ولادت رسول الله ﷺ در سالروزش ایرادی ندارد. ضمن آنکه بر اساس حدیثی دیگر، آن حضرت دوشنبه‌ها را روزه می‌گرفتند و به این وسیله، آن روز را بر دیگر روزهای هفته برتری می‌دادند. وقتی علت روزه دوشنبه از ایشان پرسیده شد، فرمودند: این روزی است که من در آن متولد شدم. وقتی خود آن حضرت، تمام دوشنبه‌ها را به همین علت تکریم می‌کردند، چه ایرادی دارد که مایک روز در سال برای ایشان جشن ولادت بگیریم و مقام ایشان را بزرگ بداریم؟ آیا کسی منکر آن است که ولادت ایشان یک نعمت عظیم است؟ این حجر عسقلانی به واسطه این حدیث، به مشروعیت احتفال مولد نبی ﷺ استناد می‌کند (سیوطی، ۲۰۰۴، ج ۱، ص ۲۸۲).

۲-۴. اثبات صحت احتفال از طریق اجماع

از مهم‌ترین مصادر تشریح در نزد اهل سنت، اجماع است. اجماع یعنی حکمی که در نزد تمام علمای مهم اهل سنت، یکسان باشد.

مراسم احتفال مولد نبی ﷺ طبق اجماع اهل سنت جایز است و هیچ‌یک از علما آن را تحریم نکرده‌اند. جمیع علما آن را مستحب و فقط تعداد کمی آن را مکروه می‌دانند (ابن کثیر، ۲۰۰۲، ج ۱۳، ص ۱۵۹ و سیوطی، ۲۰۰۴، ج ۱، ص ۴۷).

برای پرهیز از اطاله کلام، در ادامه مطلب به نقل قول چند تن از علمای اهل سنت در تأیید مراسم احتفال، بسنده می‌کنیم:

الف) ابن حجر عسقلانی: مراسم میلاد، درحقیقت کار جدیدی است که از سلف صالح در سه قرن نخست، نقل نشده است؛ با این حال باید دانست که این مراسم شامل یک سری محاسن و یک سری مسائل است. بنابراین هرکس در این روز به محاسن این مراسم پرداخت و از مسائل ناپسند دوری کرد، عملش بدعت حسنه و نیکو خواهد بود وگرنه خیر (سیوطی، ۲۰۰۴، ج ۱، ص ۲۸۲).

ب) ابوشامه مقدسی: یکی از بهترین کارهایی که امروزه انجام می‌گیرد، همین مراسم میلاد است که سالی یک بار مطابق روز میلاد پیغمبر ﷺ برگزار می‌شود و متضمن اطعام مردم و انجام اعمال حسنه و تبرعات و نیز تزئینات و ابراز شادی و سرور میان مسلمین است. این مراسم، جدا از آنکه احسان و اطعام به فقراست، نوعی تکریم و گرامیداشت

یادبود پیامبر ﷺ و تجدید محبت ایشان در قلوب مردم و شکر خدا بر فرستادن چنین رحمت بی‌کرانی محسوب می‌شود (مقدسی، ۱۹۷۸، ج ۱، ص ۲۳).

ج) ابن حجر هیثمی: بدعت حسنه، طبق اجماع علما، مستحب است و مراسم میلاد و اجتماع مردم در آن روز نیز جزو بدعت‌های حسنه است (حلبی، ۲۰۰۶، ج ۱، ص ۱۳۷).
شبهه‌ای که ممکن است از سوی برخی سلفیان مطرح شود این است که مشکلی با اصل احتفال نداریم، اما چرا شما آن را که یک امر عام است، مقید کرده‌اید به زمانی خاص؟ اگر مقصود شما از برگزاری احتفال، تکریم و تعظیم پیامبر ﷺ است، این یک امر عام است و اختصاص به زمانی خاص ندارد و هرکه قائل به این تخصیص باشد، اهل بدعت است. جواب: خداوند برخی زمان‌ها را بر برخی دیگر برتری داده و نیز ماه ربیع را که در آن، ولادت آن حضرت قرار گرفته است. تکریم آن حضرت به نحوی خاص‌تر در این روز، منافاتی ندارد که در همه ایام، ایشان را گرامی بداریم.

ابن‌الحاج، از علمای بزرگ اهل سنت، چند دلیل بر برتری این ماه را ذکر کرده که برخی از آنها به این شرح است:

الف) ماه ربیع، اعدل فصول است و شریعت حضرت محمد ﷺ، اعدل شریعت‌هاست.
ب) در روایت آمده است که خداوند درخت و بسیاری از غذاها و میوه‌ها را در روز دوشنبه (روز ولادت آن حضرت) خلق کرد.

ج) در لفظ ربیع، اشاره و تفرقی حسنه است.

د) خداوند حکیم اراده کرد که برتری دهد این روز را به واسطه ولادت حضرت محمد ﷺ در آن (سیوطی، ۲۰۰۴، ج ۱، ص ۲۳۰).

پس علاوه بر تکریم و تعظیم حضرت، به صورت عام و در همه اوقات، تعظیم و تکریم مخصوص آن حضرت در روز میلادشان به وسیله مراسمی مثل احتفال، جایز خواهد بود. در حقیقت، تکریم نبی ﷺ از اصول ایمانی است: «لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ»؛ «تا شما امت به خدا و رسول ایمان آورید و او را یاری و احترام کنید و صبح و شام تسبیحش گوید» (فتح: ۹).

در این باره مفسرین معتقدند: مرجع ضمیر «تعزروه» و «توقروه» به رسول اکرم ﷺ

بازمی‌گردد. قرطبی در تفسیرش می‌گوید: هاء در دو فعل «تعزروه» و «توقروه»، برای رسول اکرم ﷺ است و ضمیر «تسبحوا» به «الله» باز می‌گردد.

ابن کثیر می‌گوید: در روایات ابن عباس و برخی دیگر، «تعزروه» به معنای «تعظموه» آمده است و «توقروه» بیان می‌کند احترام و اجلال و اکرام کسی را. و خداوند در فرستادن آن حضرت، اجلال و اکرام آن حضرت را مد نظر داشت و شکی نیست که در این احتفالات و صدقاتی که در آن داده می‌شود و عباداتی که در این مراسم انجام می‌گیرد، تعظیم و بزرگداشت برای آن حضرت است (عثمان داوود، ۱۴۲۳، ص ۲۸).

نتیجه‌گیری

از مجموع مطالب مطرح شده پی بردیم که سلفیه برای ادعای خود مبنی بر بدعت بودن احتفال مولد نبی ﷺ ادله‌ای ذکر می‌کنند که در این نوشتار به هشت مورد آن اشاره شد، اما عمده دلایلی که در استدلال خود بر آن بسیار تکیه می‌کنند، سنت ترکیه و تشبه به کفار و شیعیان است که در پاسخ، هم این دو دلیل و هم ادله دیگرشان مورد مناقشه و نقد قرار گرفت.

در مورد سنت ترکیه گفتیم اگر عملی از جانب پیامبر ﷺ و صحابه ترک شده باشد، دلالتی بر حرمت آن در اعصار دیگر نیست؛ چه بسا در زمان حیات آن حضرت، مسلمانان برخی افعال را انجام نمی‌دادند، ولی بعد از رحلت ایشان، ضرورت پیدا کرد؛ مانند جمع‌آوری احادیث آن حضرت. ترک فعل، نشان از اباحه دارد و در سخت‌گیرانه‌ترین حالت، نشانه کراهت است و مادامی که نص شرعی مبنی بر حرمت فعل متروکی پیدا نشود، نمی‌توان به آن حکم حرمت را داد.

همچنین در مورد اینکه عمل احتفال از طرف مسلمین باعث تشبه به کفار است، بیان شد تا زمانی که امری از مختصات یک دین نباشد، تشبه به آن دین انجام نمی‌پذیرد. ضمن آنکه هیچ مسلمانی احتفال میلاد پیامبر ﷺ را به این نیت که از مسیحیان پیروی کرده باشد، برگزار نمی‌کند؛ بلکه این عمل را به قصد تقرب به خداوند و بزرگداشت مقام شامخ و والای آن حضرت انجام می‌دهد.

بر صحت احتفال مولد نبی ﷺ، هم نصوص شرعی وجود دارد و هم اجماع علما. این سنت حسنه، از طریق قیاس مورد قبول اهل سنت نیز قابل اثبات است. پس احتفال میلاد پیامبر ﷺ بدعت نیست و حتی اگر بخواهیم نام بدعت را بر آن بگذاریم، بدعتی نیکو و پسندیده است که موجب ترویج و احیای دین می شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

١. قرآن کریم.
٢. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (١٤٠٢ق)، الفصول فی سیرة الرسول، تحقیق و تعلیقه: محمد عید الخطراوی، دمشق: مؤسسه علوم القرآن.
٣. ابن منظور، محمد بن مکرم (١٤١٤ق)، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
٤. ابن تیمیہ، احمد (١٤١٩ق)، اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة اصحاب الجحیم، تحقیق: ناصر عبد الکریم الغقل، دار عالم الکتب.
٥. ابن فارس، احمد (١٩٧٩م)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، بیروت: دار الفکر.
٦. ابن قیم جوزی، محمد (١٤١٤ق)، زاد المعاد فی هدی خیر العباد، بیروت: مکتبه المنار الاسلامیه.
٧. ابن کثیر، اسماعیل (٢٠٠٣م)، البدايه و النهايه، تصحیح: عبد الله عبد المحسن التركي، صنعاء: دار هجر للطباعة و النشر.
٨. ازرقی، محمد بن عبد الله (١٤١٦ق)، اخبار مكة، بیروت: دار الاندلس، چاپ اول.
٩. بخاری، محمد بن اسماعیل (١٤٢٢ق)، صحیح بخاری، تحقیق: محمد ظهیر بن الناصر، دمشق: بی نا.
١٠. بغوی، حسین بن مسعود (١٤٢٠ق)، تفسیر البغوی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
١١. بن باز، عبد العزیز (١٩٩٩م)، مجموع فتاوی، جمع و اشراف: محمد بن سعد شعوبیر، ریاض: دار القاسم للنشر.
١٢. ثعلبی، احمد بن محمد (٢٠٠٢م)، تفسیر ثعلبی، تحقیق: الامام محمد بن عاشور، بیروت: دار احیاء التراث.
١٣. الجوهری، ابونصر (١٩٨٧م)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیہ، تحقیق: احمد عبد الغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین، چاپ چهارم.
١٤. جیزانی، محمد حسین (١٩٩٨م)، قواعد معرفه البدع، ریاض: دار ابن جوزی للنشر.
١٥. حلبی، علی بن ابراهیم بن احمد (٢٠٠٦م)، السیرة الحلبیة، بیروت: دار الکتب العلمیه.
١٦. خطراوی، محمد العید (١٤٠٤ق)، المدینه فی صدر الاسلام، بیروت: مکتبه دار التراث.

١٧. خليل، ابراهيم (١٤٠٣ق)، «السنه التركيه، مفهومها و حجيتها، اثرها الاستله الوارده عليها»، مجله البيان.
١٨. زهراني، عائض (١٤١٩ق)، التاريخ السياسى و الحضارى لمكة المكرمة، رياض.
١٩. السباعى، مصطفى (١٤١٩ق)، التكافل الاجتماعى فى الاسلام، رياض: مكتب الاسلامى، دار الوراق، چاپ اول.
٢٠. سيوطى، جلال الدين (٢٠٠٤م)، الحاوى للفتاوى، بيروت: عام النشر، دار الفكر للطباعة و النشر.
٢١. طاشكندى، عباس صالح (١٤٢٩ق)، موسوعة مكة المكرمة و المدينة المنورة، رياض.
٢٢. عبدالسلام، عزالدين (١٩٩٤م)، قواعد الاحكام فى مصالح الانام، تعليقه: طه عبدالرووف سعد، قاهره: مكتبه الكليات الازهرية.
٢٣. العرفج، عبدالله (٢٠١٢م)، مفهوم البدعه و اثره فى اضطراب الفتاوى المعاصره، آمان: دار الفتح، چاپ دوم.
٢٤. عسقلانى، احمد بن حجر (١٣٧٩ق)، فتح البارى شرح صحيح البخارى، بيروت دار المعرفه.
٢٥. الفاكهى، محمد بن اسحاق (١٤٢٤ق)، اخبار مكه فى قديم الدهر و حديثه، تحقيق: عبدالملك دهيش، بيروت: دار خضر.
٢٦. فرمانيان، مهدى (١٣٨٩ش)، آشنائى با فرق تسنن، قم: مركز مديريت حوزه علميه قم.
٢٧. فوزان، صالح بن فوزان (٢٠٠٣م)، مجموع الفتاوى، گرد آورنده: حمود مطر و عبدالكريم بن صالح، رياض: دار ابن خزيمة.
٢٨. معطوف، لوئيس (١٣٨٧ش)، المنجد، ترجمه: محمد بندر ريگى، تهران: انتشارات اسلامى.
٢٩. مقدسى، ابى شامه (١٩٧٨م)، الباعث على انكار البدع و الحوادث، تحقيق: عثمان احمد عثبر، قاهره: دار الهدى.
٣٠. نسائى، احمد (١٩٨٦م)، سنن نسائى، تحقيق: عبدالفتاح ابوغده، حلب: مكتبه المطبوعات الاسلاميه.